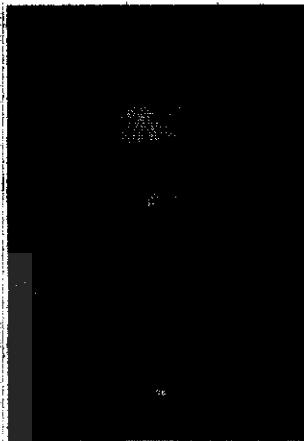




# بیان زنانه از جانب یک مرد خواننده در جامعه ما پسندیده نیست

موسیقی زبان عشق است و عشق امانت پروردگار یگانه در دل انسان و موسیقیدان راستین، به زبان عشق خلوند را می ستاید. محمد سریر امانت دار عاشقی است که آهنگ‌های آسمانی می سازد و آسمان ها را به عرصه‌ی زندگی ما می آورد.



وسیع‌تری را هدف بگیرید و بخواهید این اصول را هم رعایت کنید، البته در حد ممکن و اینکه دافعه‌ای ایجاد نکند آن وقت کار مشکل می‌شود و نیاز به شناخت بیشتری نه فقط از ابعاد موسیقی بلکه از جامعه و فرهنگ و مسایل مختلفی که یک جامعه در یک مقطع به آن می‌اندیشد دارید. آن وقت برای خلق یک ملودی کوچک باید ماه‌ها کار کنید و زوایه‌های مختلف اثر را ببینید و دستکاری کنید.

اینکه من آثارم را در چه حوزه‌ای ارزیابی می‌کنم طبعاً آن آثاری که محبوب‌تر هستند و مردم آنها را در این چهار دهه می‌شناسند و یا زمزمه می‌کنند، می‌توانند مفتخر به عنوان موسیقی مردمی باشند، ولی خوب آثاری هم هست که شاید شما نشنیده باشید و مثلاً در کنسرت‌ها معرفی شده است که

گسترده‌ای از مردم از آن لذت می‌برند، علت چیست؟ این آثار را در چه حوزه‌ای ارزیابی می‌کنند؟

ببینید اصولاً یک اثر موسیقایی بایستی چنین باشد جالبستگی به آن دارد که شما اعتقادتان در خلق آن اثر برای مخاطبان چیست. مثلاً ممکن است برای اجرای کنسرت که مخاطبان آن افراد خاص و آشنا به موسیقی علمی غرب باشند، یک اثر کاملاً پیچیده‌تر از نظر فنی و پر حجم از جهت ارکستراسیون و به کارگیری فنون آهنگسازی بسازید یا اثر کاملاً منطبق با ردیف‌های موسیقی ملی با وفاتاری کامل به اصول کهن موسیقی ایرانی بنویسید آن هم برای برنامه یا کنسرتی به جهت مخاطبین علاقه‌مند به این گونه برنامه‌ها. ولی اگر جامعه

به چه حوزه‌ای از انواع موسیقی می‌توانیم موسیقی مردمی یا پاپ بگوییم؟

اگر ملاحظه موسیقی پاپ در کشور خودتان را موسیقی محبوب و مردم‌پسند بدانیم که طبعاً بیشتر موسیقی کلامی را شامل می‌شود. طیف وسیعی از انواع موسیقی را در بر می‌گیرد. در واقع منجم این موسیقی عامه‌پسند می‌تواند موسیقی محلی، فولکلوریک، سنتی، ردیف‌دستگاهی و موسیقی غربی باشد. به نظر می‌رسد آن در صدی از ابداع در اجرا، خلاقیت در ملودی و ریتم و به هر حال به‌زمن بهره‌گیری از تکنیک‌های علمی موسیقی یعنی آنچه که مجموعاً هنر اطلاق می‌شود عیار و جایگاه هنری این اثر را معین می‌کند. در واقع محبوبیت یک روی سکه‌ی این اثر است و عیار هنری روی دیگر آن. اگر این دو در یک اثر حضور داشته باشند تاریخ مصرف آن را معین کرده و ماندگاری آن را برای نسل‌های دیگر تامین می‌کنند.

آثار شما هم از بیانی علمی برخوردار است و هم طیف



انها در حوزه های موسیقی کلاسیک غرب یا موسیقی ردیف دستگامی خودمان است.

**بسیاری از گروه های پاپ معنای لازم را کسب نکرده اند و وجه کهنی آثار آنها چندان عمیق نیست. اگر این موسیقی را قبول دارید حال برای ارتقای آن چه باید کرد؟**

لازم است تاکید کنم که همه آثار از این گونه، نیابستی الزاما یا عیار بالا باشد. بعضی آثار برای یک مقطع خاص است مثل بسیاری کالاهای دیگر که انواع مصرفی و یا ماندگار دارد، حتی یک بار مصرف هم دارد. به هر حال با آن دانش و تجربه و بخصوص جاذبه هایی که امکانات الکترونیک ایجاد کرده، همه می توانند کم و بیش دست به کار آهنگسازی بزنند. تبعاً نباید انتظار داشت که آثاری عمیق به وجود آید و به همین لحاظ همچون جرقه ای محو می شود. همان طوری که قبلاً مطرح شد علتش را باید در ضعف دانش و تجربه و خلاقیت جستجو کرد که حداقل دانش و تجربه را می شود ارتقا بخشید.

**اخیراً مباحثی از طریق جلسات علمی مخصوصاً طی دو سال اخیر از محققان و دست اندرکاران موسیقی با موضوع موسیقی مردمی و پاپ برگزار شده و مورد توجه قرار گرفته. آیا ادامه چنین جلساتی در سطحی وسیع تر می تواند یکی از راه های ارتقای موسیقی پاپ در ایران باشد؟**

البته این جلسات بسیار خوب است و جلسات گذشته هم با توجه به این که تعاریف و مفاهیم مشخص نبود، بیشتر بر محور طرح سوال و شناخت ایجاد و مطلب بود.

ولی یک نکته را لازم است اینجا یادآوری کنم که به هر حال جامعه ای ما یک جامعه سنتی است و یک نوع آداب و فرهنگ نانوشته ای در آن مورد قبول عموم طبقات جامعه است. به عنوان مثال بیان زنانه از جانب یک مرد خواننده در جامعه ای ما پسندیده نیست در حالی که ممکن است چنین حساسیتی در ملل دیگر نباشد، همانند بعضی از انواع آرایش و یا حرکات در هنگام اجرای برنامه موسیقی که ممکن است به طور مجرد قبحی نداشته باشد.

بسیاری این گونه مسایل را به حساب موسیقی پاپ می گذارند و آنها را لازم و ملزوم هم می دانند در حالی که موسیقی از جهت طرح بافته خلاقیت و اجرا موضوع دیگری است و در واقع این عوامل است که تعیین کننده عیار و شان موسیقی است که البته این موضوعات جنبی از جهت اجرا و آرایه در جوامع مختلف تابع نظامات و باورهای خاص خود می باشند.

**راجع به شعر و ترانه سرایی در کشور ما چگونه می اندیشید؟**

از آنجایی که در کشور ما شعر و کلام جایگاه ویژه ای در میان کلیه هنرها و یک ریشه محکم و غنی در فرهنگ ایرانی دارد، بنابراین در انواع موسیقی، که عموماً موسیقی کلامی است نقشی تعیین کننده دارند. اخیراً در جستجوی یافتن سوزهای جدید برای اینگونه ترانه ها به واژه ها و ترجیع بندهای خیلی جالب و بعضاً خنده دار یا کاملاً مبهم هم بر می خوریم. اینکه به هر نحو ممکن یک عنوانی را در خاطر شنونده حک کنیم، حالا این واقعا یک اثر دراماتیک یا خاطره انگیز می شود یا فراموش می شود، مقوله مهمی است که باید نسبت به ذات خود ترانه که روان، روشن، مفهوم و متکی به ادبیات غنی ایرانی است، تحول پیدا کند.

**اخیراً انواعی از موسیقی غربی از تقلیدهایی نه چندان آگاهانه وارد انواع موسیقی ایرانی شده مخصوصاً موسیقی مذهبی در ماه های سوگواری، علت آن چه می تواند باشد؟**

علت روشن است. اینکه از نغمه هایی که محبوبیت به دست آورده برای تاثیرگذاری بیشتر استفاده می شود. قدری طبیعی به نظر می رسد ولی در مراسم مذهبی نوعی نغمه های ویژه با ریشه های کهن از دیرباز معمول بوده و در واقع به نوعی تعلق آن حلقه را به آن دوران بیان می کند. حالا شما اگر از یک نغمه غیر متعارف استفاده کنید مسلماً مخاطب را به آن زمان و فضا نمی برد. مثل موسیقی فیلم که باید با زمان و مکان مطابقت داشته باشد. در این گونه موارد گاه استفاده ای نابه جا از این گونه موسیقی، شکل زننده و نامطلوب دارد.

**موسیقی علمی، موسیقی آکادمیک است. موسیقی سنتی با قاعده مندیدی های چند دهه اخیر جایگاه آکادمیک خود را یافته. برای موسیقی پاپ شان آکادمیک قابلید؟**

اگر منظور شما از آکادمیک یعنی نیاز به تحصیل، مسلماً خلق هر اثر هنری نیاز به کسب دانش مربوط به خود را دارد و موسیقی خوب هم همین طور است. حالا در هر سبک و سیاقی که بخواهد باشد. در حال حاضر هم بسیاری از هنرمندان سرشناس جهان از آهنگساز و خواننده و نوازنده به حوزه معینی از موسیقی روی آورده اند. چون به هر حال هر هنرمندی آرزویش این است که پیام خود را به طیف وسیع تری از طبقات مختلف جامعه برساند و دنیای کنونی ما با گرفتاری ها و دوندگی های روزمره نیاز به موسیقی روان، شفاف، دلپذیر و زود هضم دارد و به همین جهت بخش اصلی تا ۹۰ درصد موسیقی از رسانه های جهان از همین انواع است. حال افرادی که در این زمینه فعال هستند ممکن است تحصیلات آکادمیک بلندمدت نداشته باشند ولی اطلاعات موسیقی دارند و عموماً از ذوق سرشاری نیز برخوردارند. زیرا در غیر این صورت با توجه به کثرت فعالان در این حوزه حذف خواهند شد. بدیهی است خلق آثار غنی تر و با عیار بالاتر نیاز به ذهن خلاق تر و دانش گسترده تر در فنون موسیقایی دارد و تبعاً تحصیل و پژوه بیشتری را می طلبد.